

بنیاد نظری سیاست

در

جوامع چندفرهنگی

دو بار است دوم، چاپ اول)

سید علیرضا بهشتی

انتشارات ناهید

سرشناسه	: حسینی بهشتی، علیرضا
عنوان و نام پدید آور	: بنیاد نظری سیاست در جوامع چندفرهنگی / سید علیرضا بهشتی.
وضعیت ویراست	: ویراست ۲.
مشخصات نشر	: تهران: ناهید، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	: ۳۱۲ ص: ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م.
شابک	: 978-600-5865-43-1
وضعیت فهرست‌نویسی: فیا	
یادداشت	: چاپ قبلی: بقعه، مرکز بین‌المللی گفتگوی تمدن‌ها، ۱۳۸۰. (۳۲۶ ص.)
یادداشت	: چاپ دوم.
موضوع	: چندفرهنگی
موضوع	: Multiculturalism
رده‌بندی کنگره	: ۱۳۹۵ ب ۹ ح ۵ / HM ۱۲۷۱
رده‌بندی دیوید	: ۳۰۶/۴۴۶
شماره کتاب‌سی ملی	: ۴۴۶۲۹۴۹

● سید علیرضا بهشتی

● بنیاد نظری سیاست در جوامع چندفرهنگی

(ویراست دوم، چاپ اول)

- نقاشی روی جلد: سید حسین فاطمی‌نیا
- حروفچینی: شبستری
- چاپ گلشن سبز
- چاپ اول: ۱۳۸۰
- چاپ دوم: پاییز ۱۳۹۵ (چاپ اول انتشارات ناهید)
- شمارگان: ۱۱۰۰ نسخه
- حق چاپ محفوظ است.



فهرست

۷	پیشگفتار
۹	یادداشتی بر ویراست دوم
۱۳	فصل نخست: گوناگونی فرهنگی و سیاست
۱۴	پیدایش مسئله گوناگونی فرهنگی
۲۵	سیاست گوناگونی فرهنگی و مناظره لیبرال‌ها و جامعه‌گرایان
۳۵	طرح کلی مباحث کتاب

بخش اول: رهیافت جامعه‌گرایانه

۴۵	فصل دوم: جامعه‌گرایی و شناخت تفاوت فرهنگی
۴۶	ارزش جامعه
۴۹	فرهنگ‌ها: مینهای و خاص
۵۱	فصل سوم: مکاتب: فرهنگ‌ها و سنت‌ها
۵۳	بیماری‌های فلسفه: رنسانس و روش جدید
۶۱	«خود» روایی و مفهوم کردار
۶۷	مفهوم سنت کاوش اخلاقی
۷۹	فرهنگ‌ها و سنت‌ها
۸۳	نتیجه

۸۷	فصل چهارم: تیلور: سیاست و شناسایی فرهنگ
۸۸	زمینه فرهنگی اخلاق
۹۷	علیه نسبیت‌گرایی
۱۰۲	سیاست و گوناگونی فرهنگی
۱۱۵	نتیجه
۱۱۹	فصل پنجم: والزر: اخلاق، خاص بودن و جهانشمول بودن
۱۲۰	ماهیت تفسیری گفتمان اخلاقی
۱۲۶	نقد اجتماعی
۱۲۸	عام‌ها و خاص‌های اخلاق
۱۳۲	سیاست اقلی گوناگونی فرهنگی
۱۴۵	نتیجه

بخش دوم: رهیافت لیبرال

۱۴۹	فصل ششم: لیبرالیسم و تعدد فرهنگی
۱۴۹	خصوصیات بنیادین لیبرالیسم
۱۵۲	تعددگرایی، تساهل و بی طرفی
۱۵۹	فصل هفتم: رالز: لیبرالیسم سیاسی و گوناگونی فرهنگی
۱۶۳	مفهوم سیاسی «خود»
۱۷۲	تعددگرایی و اجماع همپوش
۱۷۸	کمال گرایی و بی طرفی
۱۸۰	نتیجه
۱۸۳	فصل هشتم: رز: نظریه کمال گرایی لیبرالیسم
۱۸۴	نامطلوب بودن بی طرفی سیاسی
۱۸۹	دفاع از کمال گرایی
۱۹۳	ارزش اختیار
۲۰۰	لیبرالیسم و چند فرهنگی گرایی
۲۰۴	نتیجه
۲۰۷	فصل نهم: کیملیکا: نظریه ای لیبرال درباره عضویت فرهنگی
۲۰۸	عضویت فرهنگی به مثابه یک خیرمقدم
۲۱۴	آزادی انتخاب و تجدیدنظرپذیری
۲۲۳	محدودیت های درونی و پاسداری های بیرونی
۲۲۳	نتیجه
۲۲۷	فصل دهم: نتیجه: به سوی سیاست تعدد فرهنگی؟
۲۲۷	جامعه گرایان، لیبرال ها و سیاست گوناگونی فرهنگی
۲۴۱	به سوی سیاست گوناگونی فرهنگی؟
۲۵۹	فصل یازدهم: گستره شمول قانون ملل رالز
۲۵۹	پیوست
۲۷۵	یادداشت ها
۲۹۹	کتابنامه
۳۰۹	فهرست اعلام

پیشگفتار

سپاس بی‌کران آفریدگار جهانیان را سزاست، و درود بی‌پایان بر فرستادهٔ او و دودمان نیک و یاران برگزیده‌اش.

کتابی که پیش روی شماست ترجمهٔ پایان‌نامهٔ دکتری من است که پنج سال از نگارش آن با آن مأنوس و مربوط بوده‌ام. هنگامی که پس از فراغت از تحصیل به تهران بازگشتم، پیشنهادهایی جهت ترجمهٔ آن دریافت کردم اما به سه دلیل در به انجام رساندن آن در تردید به سر می‌بردم: نخست اینکه رفقا و اندیشه‌های سیاسی در ایران، به‌ویژه در زمینهٔ آشنایی با تحولات اخیر آن در غرب، آگاه بودم و بیم آن داشتم که این امر سبب گردد مطالب مطمحده در این پژوهش قربانی بدفهمی یا کج‌فهمی شود. دوم این‌که اسنادهای متعددی در دسترس نبود و نمونه‌های گوناگونی فرهنگی در غرب، خوانندهٔ ایرانی را با دشواری روبه‌رو سازد. و بالاخره این‌که با توجه به حال و هوای حاکم بر فرهنگ سیاسی جامعهٔ ایران، با طرح مباحث معطوف به نقد لیبرالیسم، اگرچه عالمان و همراهان با ارائهٔ جایگزینی مناسب باشد، مرا در اردوگاهی فکری متوقف کنند که تعلق خاطری بدان ندارم. با وجود این، پس از آغاز همکاری با گروه علوم سیاسی دانشگاه تربیت مدرس و مطالعهٔ آثاری که در زمان دوری از وطن منتشر شده بود، و همچنین هم‌نشینی و گفتگو با همکاران گرانقدرم، پاسخ‌هایی به نسبت قانع‌کننده به سه مشکل یادشده یافتیم. نخست اینکه به همت نویسندگان و مترجمان تلاشگر، طی سال‌های اخیر شاهد گسترش کمی و کیفی آثار متعددی در زمینهٔ اندیشه‌های سیاسی غرب

بوده‌ایم و این کتاب نیز می‌تواند سهمی در این میان ایفا کند. درباره اشکال دوم، ابتدا تلاش کردم نمونه‌های مناسب از ایران را در گفتارهای مربوطه بگنجانم. اما به دلایلی، از جمله کمبود اطلاعات و آمار دقیق یا مطالعات موردی که بتوان با آسودگی خاطر به آنها استناد گردد، ایده افزودن نمونه‌های بومی را به کناری نهادم و آن را به پژوهشی مستقل وانهادم. اما درباره سومین مانع، بهتر آن دیدم که پروای نام نکرده و حقیقت را فدای مصلحت ننمایم و داوری دیگران را درباره موضع و دیدگاه فکری‌ام در زندگی علمی‌ام دخیل نکنم. این بود که به ترجمه‌ای دست یافتم که حاصل آن اینک در دستان شماست.

در اینجا از فرصت استفاده و از همکاری‌های بی‌دریغی که در دوره انجام این پژوهش از آن بهره‌مند بوده‌ام سپاسگزاری می‌کنم، از جمله از دکتر اندرو مست و دکتر متیو فستنشتاین، که از انتقادات و پیشنهادهای آنها بهره فراوانی برداشتم. نوشته از پرفسور نوئل اُسولیوان که مصاحبت و مباحثه‌های صمیمانه با او، ایده‌های جدیدی پیش روی من نهاد. همچنین انتقادات و ایراداتی که پرفسور جان هورتون بر دست‌نویس مقدماتی این اثر وارد ساخت و در نامه‌های مطالب آن مفید افتاد. بر خود لازم می‌بینم از آقای عبدالرحیم مروی شکر بابت و نکته‌سنجی فراوان و ویرایش متن فارسی را بر عهده گرفتند و با بخش‌های مفید خود در رساتر شدن بیان آن کمک شایان توجهی کردند، تشکر کنم.

بیش از همه، باید از همسرم سپاسگزاری کنم که اگر چه در حمایت او نبود این اثر به انجام نمی‌رسید؛ و همچنین فرزندانم که غیبت مرا از بازی‌های کودکانه‌شان در طی این سال‌ها تحمل کردند.

این کتاب را به روان پاک پدرم تقدیم می‌کنم که نخستین کسی بود که عشق به دانستن را در من شعله‌ور ساخت و به من آموخت که ثمره دانش را در بهتر ساختن دنیایمان برای زیستنی سعادتمندانه به کار گیرم.

یادداشتی بر ویراست دوم

اینک بیست سال از تألیف و پانزده سال از انتشار نسخه فارسی بنیاد نظری سیاست در جوامع چندفرهنگی^۱ می‌گذرد. در سال ۲۰۰۶ میلادی نیز ترجمه عربی آن که به همت عبدالرحمن علوی انجام شده بود انتشار یافت. در آن ایام اتفاقاتی در زندگی علمی و دنیای پیرامون من رخ داده بود که در بهانی از عذمه‌ای که بر نسخه عربی نوشته‌ام به آنها اشاره کردم. در آن زمان، تریه یک سال تحصیلی (۲۰۰۲-۲۰۰۳) در لبنان، هم به عنوان پژوهشگر در گروه فلسفه دانشگاه آمریکایی بیروت و هم به عنوان مدرس پاره‌وقت در دانشگاه اسلامی لبنان که یادگار امام موسی صدر است و زیر نظر مجلس اعلای شیعیان لبنان اداره می‌شود، امکان زیستن در یک اجتماع چندفرهنگی^۲ و گفت‌وگو با پیروان ادیان و مذاهب دیگر را فراهم ساخت. مشاهده‌ای هر روزه‌ی مسالمت‌آمیز میان پیروان ادیان و مذاهب که تا پیش از مداخلات در دهه‌های سیاسی جهانی و منطقه‌ای برای قرن‌ها در آن دیار جاری بود و در تجربه تلخ و هولناک جنگ‌های خونین داخلی لبنان و اشغال تجاوزگران نوید اسرائیل از یک‌سو، و گفت‌وگوهای آزاد و دوستانه با مخاطبان لبنانی‌ام، اعم از شیعه، سنی، دروزی و مسیحی، فرصتی بی‌بدیل برای آزمون و سنجش

۱. تهران، نشر بقیعه، ۱۳۸۰.

۲. علی رضا حسینی البهشتی، الاسس السياسیه فی المجتمعات التعددیه، بیروت، دارالهادی،

ایده‌هایی را که در کتاب مطرح شده بود در اختیارم نهاد. نسخه عربی کتاب را به امام موسی صدر، دوست دیرین و همفکر پدرم، که در ایام کودکی و نوجوانی و از جمله در آخرین روزهای پیش از مفقود شدنش توفیق دیدار او در منزل شادروان دکتر سید محمدصادق طباطبایی در بوخوم آلمان را داشتم، تقدیم کردم؛ رهبر دینی آگاه و تیزبینی که با درایت تمام، در پی یافتن بنیان‌هایی استوارتر برای آن همزیستی شکننده بود و نام و خاطره‌اش در سراسر لبنان به نیکی یاد می‌شود.

در همان سال‌ها، جنگ‌های خونین منطقه بالکان که به فاجعه‌ای انسانی هم‌ای با کسای‌های قومی و جدال‌های دینی منجر شد و پس از آن حمله فجیع بازدهم سپتامبر در نیویورک و اشغال افغانستان و عراق توسط نیروهای نظامی ایالات متحده آمریکا اتفاق افتاد. از آن زمان تاکنون - که خاورمیانه به واسطه مداخله‌جویان منطقه‌ای و جهانی به خاک و خون کشید شده - امنه خشونت‌های دینی، مذهبی و قومیتی به سراسر دنیا گسترده شده است - ایات حوزه سیاست چندفرهنگی، توسعه‌ای کمی و کیفی را شاهد بوده است. اکنون، سیاست چندفرهنگی به مسئله‌ای تبدیل شده است که دیگر تنها به کشورهای مهاجرپذیر محدود نمی‌شود، هرچند امواج مهاجرت از جنوب به شمال افزایش یافته و پرسش‌های جدیدی مطرح کرده که در انتظار پاسخ مانده است. آیا برخورد تمدن‌ها به گونه‌ای که ساموئل هانتینگتون پیش‌بینی کرده بود سرانجام اتفاق افتاده است؟ آیا ایده گفت‌وگوهای تمدن‌ها و فرهنگ‌ها که توسط سیدمحمد خاتمی به عنوان راهبردی جهانی به سازمان ملل پیشنهاد شد برای همیشه به محاق رفته است؟ آیا بیش از هفتاد سال تلاش برای گفت‌وگو و همکاری بین مذاهب اسلامی که در جهان شیعه با پشتیبانی آیت‌الله العظمی بروجردی و تلاش عالمان نواندیشی همچون امام موسی صدر، آیت‌الله دکتر بهشتی، و پیش از آنها شیخ جعفر کاشف الغطاء و رهبر آگاه و نواندیش اهل سنت، شیخ شلتوت - رئیس وقت الازهر - در خاورمیانه و اروپا و آیت‌الله منتظری در سال‌های پس از

پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و منطقه پیگیری می‌شد با شکست مواجه شده است؟ برای پاسخی قطعی به این پرسش‌ها، باید منتظر حوادث سال‌های پیش رو ماند. اما سایه سنگین خشونت‌های مبتنی بر باورهای دینی که توسط گروه‌های تندرو دامن زده می‌شود از یک‌سو و نگرش‌های قوم‌مدارانه و نژادپرستانه‌ای که در منطقه و در اروپا، آمریکا و استرالیا، مبنای سیاست‌ورزی اغلب سیاستمداران قرار گرفته از دیگر سو، توده ابرهای نومیدی را در افق جهان آینده گسترده‌تر از هر زمان دیگر کرده است. با این همه، نمی‌توان تلاش‌های بخردانه چهره‌های تأثیرگذاری همچون آیت‌الله علی سیستانی در عراق را در بحبوحه این آشفتنگی‌ها و سرگرائی‌ها نادیده گرفت، همچنان که کوشش‌های بلیغ صدها اندیشمند انگلیسی و مصلح اجتماعی را که سعی در یافتن راه‌های مبتکرانه برای حل مشکلات پیچیده حاصل از گوناگونی فرهنگی را دارند.

در کشور ما ایران، با سابقه تاریخی بس کهن به عنوان اجتماعی چندفرهنگی و هم‌زیستی سالم‌آمیز ادیان، مذاهب و اقوام در آن، نیز تلاش‌های درخور توجهی در این زمینه در حال شکل‌گیری است. حالا دیگر بسیاری از منابعی که در هنگام نوشتن کتاب حاضر به فارسی ترجمه نشده بود، با همت مترجمان گرانقدر به فارسی برگردانده شده است و دسترسی خوانندگان فارسی‌زبان به آن آسان‌تر شده است. هرچند در نقل‌قول‌هایی که از منابع انگلیسی‌زبان در این کتاب آمده هنوز هم از ترجمه خودم استفاده کرده‌ام و جهت اطلاع خوانندگان، مشخصات آثار ترجمه شده را در کتابشناسی پایانی افزوده‌ام. متن کتاب هم به‌رورد بازبینی قرار گرفته است و تلاش شده هم اغلاط چاپی تصحیح شده و هم، در موارد مورد نیاز، به بازنویسی متن اقدام گردد. در فاصله سال انتشار کتاب تاکنون، آثار متعدد دیگری از اندیشمندانی که نظریه‌های آنان در اینجا بحث شده منتشر شده است. یکی از آنها که به لحاظ اهمیت خاص آن، لازم بود مورد نقد و ارزیابی قرار گیرد، کتاب قانون ملل، از آخرین آثار جان رالز است. از آنجا که طی این سال‌ها، پیگیری مباحث این

حوزه همواره ازدغدغه‌های اصلی من بوده و تألیف و انتشار مقالات علمی در این زمینه را رها نکرده‌ام - که مجموعه آنها در کتابی با عنوان همزیستی اتحاد و افتراق در آینده‌ای نزدیک منتشر می‌شود - این کتاب را در مقاله‌ای با عنوان «گستره شمول عدالت رالز در قانون ملل» نقد کرده‌ام که به این چاپ پیوست شده است. همچنین، طی سالهای ۱۳۹۲-۱۳۹۱، در درسگفتارهای «عدالت اجتماعی در جوامع چندفرهنگی» که در بیست‌وپنج جلسه در مؤسسه مطالعات دین و اقتصاد برگزار شد، تلاش کردم گامی در جهت تحقق وعده‌ای که در سطور پایانی ویراست اول کتاب دادم، بردارم و راه‌های کاربرد دیدگاه‌های مطرح‌شده در اجتماع چندفرهنگی ایران را به آزمونی نظری بگذارم. متن پیاپی‌شده آن درسگفتارها منتشر شده است و این روزها درگیر تألیف آن در قالب کتابی هستم که به نوعی، مجلد دوم کتاب حاضر به‌شمار خواهد آمد.

در پایان، بر خود لازم می‌دانم از همه کسانی که طی این سالها از انتقادهای و نظراتشان بهره‌مند شده‌ام سپاسگزاری کنم؛ از جمله همکاران و دانشجویان خوبم در دانشگاه تربیت مدرس و مشارکت‌کنندگان در کلاسهای مؤسسه مطالعات دین و اقتصاد و نیز از همه کسانی که حوصله به خرج دادند و پس از خرید ویراست اول کتاب، راهنمایی‌های بسیار مفیدشان را در اختیارم قرار دادند. ویراست دوم این کتاب را به همه کسانی که طی سالیان اخیر به اعتنای مردم‌سالاری دینی در کشورم تلاش کرده‌اند و در این راه رنج و سختی متحمل شده‌اند تقدیم می‌کنم.

فصل نخست

گوناگونی فرهنگی و سیاست

در دهه اخیر، اجتماعات^۱ بشری در سراسر دنیا شاهد دگرگونی‌های مهمی بوده‌اند. مطالبه فزاینده برای به رسمیت شناختن گوناگونی فرهنگی از جمله این دگرگونی‌هاست. اگرچه امروزه واقعیت وجود گوناگونی فرهنگی مورد اذعان است، اما تمایلات^۲ آن به اشکال مختلف صورت پذیرفته، چرا که دیدگاه‌های متفاوتی دربارهٔ چنین گوناگونی‌ای وجود دارد که به موضع‌گیری‌های متفاوتی انجامیده است: بعضی آن را به عنوان واقعیتی در نظر می‌گیرند که هر چند صفت جدایی‌ناپذیر اجتماعاتی است که در آن زندگی می‌کنیم، الزاماً مطلوب نیست. بعضی دیگر آن را به عنوان واقعیتی می‌سناسند که می‌تواند فایده‌های بسیار دربر داشته باشد. گروهی آن را به مثابه زمینه‌ای برای مطالبه احترامی برابر برای هویت خود، که احساس می‌کنند در گذشته از آن محروم نگه داشته شده‌اند، می‌دانند. بعضی نیز تمایل دارند از آن به عنوان ابزاری برای ابرار بهتری فرهنگ خویش بر دیگر فرهنگ‌ها استفاده کنند. در محافل دانشگاهی نیز این مسئله مورد توجه قرار گرفته و از زوایای گوناگون و در رشته‌های مختلف، مطالعات بین

۱. در سراسر این کتاب، «اجتماع» در برابر واژه انگلیسی society و «جامعه» در برابر community به کار رفته است. دربارهٔ ترجمهٔ این واژه‌ها در آثار گوناگون مترجمین فارسی‌زبان اجماع نظری دیده نمی‌شود. نگارنده یا توجه به اینکه کاربرد «جامعه» در ترکیب‌هایی مانند Hindu community («جامعهٔ هندوان») از «اجتماع» هندوان به گوش آشنا تر می‌نمود به این گزینش دست زده است. توضیح بیشتر دربارهٔ تفاوت مفهوم این دو واژه در صفحه‌های ۱۲ و ۱۳ آمده است.

رشته‌ای، بررسی شده است. در نظریه سیاسی، پیامدهای مختلفی که گوناگونی فرهنگی داشته به نقد اساسی لیبرالیسم انجامیده است. در مقابل، اندیشمندان لیبرال تلاش کرده‌اند آن را در نظریات خود بگنجانند.

مشاهده اینکه گوناگونی فرهنگی چگونه باعث پدیدار شدن مشکلاتی می‌شود که به نظریه سیاسی مربوط می‌شود مسئله مهمی است که موضوع بخش نخست این فصل است. در بخش‌های دوم و سوم، ماهیت و هدف پژوهش حاضر، محورهایی که در فصل‌های بعدی مورد بررسی قرار خواهد گرفت و بحث‌گرینش اندیشمندانی که نظریات آنها ارزیابی خواهد شد بیان می‌شود.

پیدایش مسئله گوناگونی فرهنگی

دنای ما نه جهان با 'اجتماعی واحد، بلکه جهانی است که در آن اجتماعات گوناگون با فرهنگ‌های گوناگون وجود دارند. اما گوناگونی فرهنگی و جوامع گوناگون فرهنگی پدیده‌ای جدید نیست و چه‌بسا بتوان آن را به قدمت زندگی اجتماعی بشر دانست. خاستگاه‌های مختلف برای تفاوت فرهنگی^۱ وجود دارد: بعضی از تفاوت‌ها پیامد مهاجرت است، چنانکه در مورد آسیایی‌تبارها و کارائیبی‌های^۲ بریتانیایی چنین است؛ بعضی دیگر مانند بومیان کانادا^۳، مربوط به گروه‌هایی می‌شود که دارای قلمرویی مجزا هستند. خواست‌هایی نیز برای به رسمیت شناختن سیاسی برخی گروه‌های دینی، و نیز آرایش‌ها^۴ در ایالات متحده، وجود دارد که در پی پاسداری از جوامع خود در برابر چیزی هستند که آن را فرهنگ منحط^۵ اجتماع اصلی می‌نامند.

لازم است برخی از انواع خاستگاه‌های تفاوت فرهنگی بیشتر توضیح داده شوند. نخستین تفاوت در نتیجه مهاجرت‌های فردی یا گروهی رخ می‌دهد. دلایل چنین مهاجرت‌هایی ممکن است گوناگون باشد: بعضی به دنبال مکانی

1. cultural difference

2. Caribbeans

3. Canadian Aborigines

4. Amish

5. corrupted culture

بهرتر برای زندگی هستند؛ بعضی از ظلم و ستم حاکم بر زادگاه خود می‌گریزند؛ و بعضی نیز ممکن است توسط متجاوزان اشغالگر مجبور به ترک سرزمین خود شده باشند. در بسیاری از کشورها از مهاجران خواسته می‌شود روش زندگی کشور میزبان را بپذیرند. از آنها انتظار می‌رود خود را با فرهنگ کشور میزبان چنان وفق دهند که موجب تضعیف آن نشوند. این بدان معناست که اگر سنت‌های آنان با سنت‌های فرهنگ مسلط در تعارض افتد، باید از آن دست بکشند، یا آن را چنان تغییر دهند که یکپارچگی فرهنگ اکثریت مردم محفوظ بماند. نمونه روم باستان اگر این مسئله را می‌توان در برخورد با کسانی مشاهده کرد که در یونان و روم باستان بیگانه شمرده می‌شدند. همانگونه که بررسی فوستل دو کولانژ^۱ نشان می‌دهد، اعتبار و رسمیت یک شهروند، از مشارکت وی در دین دولت-شهر نشأت می‌گرفت و «از طریق این مشارکت بود که همه حقوق مدنی و سیاسی او حاصل می‌شد». در نتیجه، دین باعث مرزبندی‌ای محوناشدنی بین یک شهروند و بیگانه بر. بر این اساس، بیگانگان استحقاق برخورداری از هیچ‌گونه حقوق مدنی را نداشتند:

نه در روم و نه در یونان، یک خارجی نمی‌توانست مالک چیزی باشد. او نمی‌توانست ازدواج کند. از هم ازدواج می‌کرد، ازدواج او به رسمیت شناخته نمی‌شد و فرزندان او، نامشروع شمرده می‌شدند. او نمی‌توانست با یک شهروند قراردادی ببندد. «تو»، چنین قراردادی را به هیچ‌وجه معتبر نمی‌دانست. (۲)

با این همه، در بعضی موارد، حق شهروندی به بیگانگان اعطا می‌شد. «مسلماناً هیچ قانون عمومی دیگری نبود که قانونگذار در آن در محاصره این همه دشواری و احتیاط قرار گرفته باشد. تشریفات مقرر، هیچ‌گاه، حتی برای اعلان جنگ یا وضع یک قانون جدید، بدین دشواری نبود.» (۳) در آن زمان، اعطای حق شهروندی به یک بیگانه، تجاوز به اصول بنیادین مذهب ملی شمرده می‌شد. در نتیجه، از بیگانگان خواسته می‌شد پیش از شهروند شدن در مراسم مذهبی آن شهر، مانند مراسم قربانی، شرکت جویند.

مورد تبعیض قرار گرفته خشم خود را از فرهنگ مسلط و نهادهای اجتماعی و سیاسی ناشی از آن به شکل یک شورش نشان دهد. چند ماه بعد، لرد سکارمن^۱ از طرف وزیر کشور به منظور انجام تحقیقات در مورد آن اغتشاش و بی‌نظمی منصوب شد. شگفت نیست که گزارش سکارمن، که چندی بعد منتشر شد، اساساً بر کاستی‌های اقتصادی و اجتماعی که ناحیه مزبور در آن زمان بدان دچار بود متمرکز بود و هرچند اشاره‌هایی کلی به نیازهای فرهنگی و ویژه جامعه سیاهپوستانی که در آنجا زندگی می‌کردند در آن به چشم می‌خورد (مانند نظام آموزشی که خود را با «انسان‌ها» وفق نداده بود)، ولی بیشتر توصیه‌ها به بهبود وضعیت نیروی انسانی، خانه‌سازی و فرصت‌های شغلی مربوط می‌شد. (۵)

چهارده سال بعد، در دسامبر ۱۹۹۵، ناحیه مذکور شاهد شورش دیگری بود. طبق گزارش‌های رسیده، شورش در بریکستون پس از تظاهراتی رخ داد که در اعتراض به مرگ رابرت سیاهپوستی که در بازداشت به سر می‌برد برپا شده بود. پلیس پذیرفت که بران بازداشت وین داگلاس^۲، که متهم به سرقت مسلحانه بود، از باتوم‌های بلند استفاده کرده اما عاگرد که کالبدشکافی جسد داگلاس نشان داده که او در هنگام مرگ از بیماری قلبی رنج می‌برده است. آنگاه روزنامه وِیس^۳ گزارشی منتشر کرد مبنی بر اینکه داگلاس پیش از مرگش بی‌رحمانه مورد ضرب و جرح قرار گرفته بوده است. شورش در یک دره مایی، که در ابتدا آرام بود، و پس از سخنرانی وکیل ممنوع‌الوکاله سیاهپوستی به نام وودی نارایان^۴ آغاز شد. او ضمن سخنان خود گفت: «پلیس‌های بریکستون قاتل آنها تا زمانی که یکی از آنها کشته نشود معنی کاری را که کرده‌اند درک نخواهند کرد» (۶). همدردی اندکی با شورشگران ابراز شد. بعضی از سیاستمداران علل همان‌ان ناآرامی را یادآور شدند. برای نمونه، دایان ابوت^۵، نماینده حزب کارگر، گفت: «لازم است به یاد داشته باشیم که شورش در نتیجه مرگ در بازداشتگاه پدید آمده است.

1. Lord Scarman

2. Wayne Douglas

3. *The Voice*

4. Rudy Narayan

5. Diane Abbott